

جنبش مشروطه در ایران ماحصل افکار، اندیشه‌ها و مطالباتی است که متأثر از عوامل داخلی و خارجی تکوین یافت و در نهایت مظفرالدین شاه قاجار را به امضای فرمان مشروطه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ واداشت. مشروطه از نخستین جنبش‌های اجتماعی ایران است که به شکل‌گیری مفاهیم نظری نوینی منجر شد. تولد مفاهیمی چون ملت، برابری، استقلال، قانون و آزادی در دایره واژگان و نظام معرفتی ایرانیان، از مهم‌ترین دستاوردهای اجتماعی این جنبش است.

ادبیات این دوره در مقام خالق جنبش مشروطه و نیز ماحصل تحولات آن قابل بررسی است. به‌طور حتم عوامل متنوعی در پیدایی بینش مذکور نقش داشته‌اند. ورود مفاهیم و اندیشه‌های ترقی‌خواهانه از حوزه ادبی قفقاز و به‌طور خاص آذربایجان به شعر و ادبیات فارسی تأثیر قابل توجهی در خلق ادبیاتی نوین با اتکای بر «بازسازی وطنی برای تمام مردم» داشته است.

تأثیرگذاری میرزا علی‌اکبر صابر بر ادبیات مشروطه ایران را می‌توانیم هم راستا با جریان‌های سنت‌ستیزی قرار دهیم که بسیاری از شعرای مشروطه ایران تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. نشریات و روزنامه‌های منتشره آن دوره نیز متأثر از روزنامه ملانصرالدین و مکتب صابر هستند.

در دوران پیش از شکل‌گیری انقلاب مشروطه جدایی میان مردم قفقاز و ایران هنوز رنگ و بویی نداشت و رفت و آمد ساکنین هر دو منطقه در دو سوی ارس به سهولت انجام می‌گرفت. افزون بر این وجود پیوندهای کهن تاریخی، فرهنگی، قومی و مذهبی و وجود مشترکات بسیار دیگر، آن‌چنان مردم هر دو سو را در پیوند و ارتباطی تنگاتنگ قرار داده بود که مردم هر دو منطقه هنوز هویت و ملیت خود را از یکدیگر جدا نمی‌دانستند (عرفانیان).

بر این اساس، می‌توان بخشی از تأثیرپذیری شعر و ادبیات ایران از شعرایی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، جلیل محمدقلی زاده و میرزا علی‌اکبر صابر و به عبارت دیگر شاعران شمال ارس را بر مبنای تقارب فرهنگی دو منطقه تبیین کرد. ارتباط عمیق فرهنگی و قومی موجب تسری تغییرات اجتماعی واقع شده در کشور آذربایجان به اندیشه‌های روشنفکران ایرانی بود.

تغییرات ایجاد شده در ادبیات، شعر، اخذ مضامین شعری و به‌طور عام به خدمت در آوردن شعر به مثابه ابزاری در راستای نیل به مقاصد سیاسی و اجتماعی که مهم‌ترین ویژگی ادبیات مشروطه است، خود ماحصل تحولاتی است که در خارج از مرزهای ما انجام گرفت.

از اوایل حکومت ناصرالدین شاه با شروع جریان‌هایی مانند تاسیس مدارس نوین، سفر ایرانیان به اروپا و آشنایی با تحولات جهان مسیری نوین در رشد آگاهی مردم ایران آغاز شد. شاید بتوان روسیه انقلابی و قفقاز را به عنوان مجرای برای دسترسی ایرانیان به افکار متمدنی و استقلال‌طلبانه تلقی نمود و پیشتازی مردم آذربایجان و تبریز در حوادث جنبش مشروطه را تا حدودی به سبب این نزدیکی جغرافیای دانست.

حمایت قفقازی‌ها از مشروطه ایرانی حائز اهمیت است و میرزا علی‌اکبر صابر در میان آن‌ها نقش موثری دارد. میزان تأثیرگذاری صابر به اندازه‌ای است که در اولین ماه‌های جنبش مشروطه محمدعلی میرزا، پخش روزنامه ملانصرالدین که اشعار

صابر در آن منتشر می شد را ممنوع کرد. صابر به ترکی شعر می گفت و شاید به همین دلیل است که بزرگترین شاعران فارسی گوی طنز مشروطه نیز کسانی بودند که زبان ترکی را می دانستند و از اشعار هوپ هوپ^۱ بهره برده بودند.

میرزا علی اکبر طاهر زاده، بنیان گذار واقع گرایی در شعر آذربایجان و شاعر طنزپرداز، در ۱۲۴۱ شمسی^۲ در شماخی آذربایجان متولد شد. او ابتدا در مکتب خانه های قدیم و سپس در مکتب خانه سیدعظیم شیروانی، که به تدریس بر اساس روش های آموزشی نوین می پرداخت، به تحصیل پرداخت. در این جا دانش آموزان به جای حصیر بر روی نیمکت ها می نشستند و علوم جدید می آموختند و همراه با زبان های فارسی و عربی، دو زبان آذربایجانی و روسی را نیز فرا می گرفتند. زمانی که هشت ساله بود معلم او سیدعظیم شیروانی به استعداد و نبوغ او در شعر پی برد و او را به ادامه کار تشویق و پیش بینی نمود که آینده ای درخشان در انتظار اوست. او در یکی از اشعارش به آینده امیدبخش شاگرد خود اشاره نمود. او از صابر می ساخت تا با صدای بلند شعر بخواند و اشعار شعرای کلاسیک فارسی را به آذربایجانی ترجمه نماید. در مقایسه های انجام شده میان اصل اشعار و ترجمه ها میزان تسلط صابر بر هر دو زبان مبدا و مقصد مشخص است (عرفانیان).

اشعار و مقالات صابر در مطبوعاتی همچون «فیوضات»، «رهبر»، «الفت»، «حیات»، «گونش»، «دبستان»، «زنبور»، «ارشاد»، «حقیقت» و «ینی حقیقت» منتشر می شد. اما نقطه عطف فعالیت های ادبی صابر را می توان همکاری او با روزنامه ملانصرالدین و میرزا جلیل محمدقلی زاده، ناشر این روزنامه دانست. روزنامه ای طنز که در طول سال های ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ در تفلیس، تبریز و باکو به زبان ترکی آذربایجانی منتشر می شد. فعالیت روزنامه ملانصرالدین چند ماه پیش از صدور فرمان مشروطیت در تفلیس آغاز شد و نقش برجسته ای در روشنگری افکار عمومی داشت.

از میان نشریات ایرانی این دوره می توان از صور اسرافیل در تهران، نسیم شمال در رشت، آذربایجان در تبریز، و آموزگار نام برد. این نشریات عموماً از روزنامه ملانصرالدین متأثر بوده اند. نسیم شمال که از تاثیرگذارترین روزنامه های این دوره بود توسط سید اشرف الدین قزوینی معروف به گیلانی اداره می شد و وی عموماً اشعار خود را در این روزنامه منتشر می کرد. سید اشرف در سبک پیرو سبک میرزا علی اکبر صابر بود و اشعاری در اقتباس، ترجمه و یا پاسخگویی به اشعار صابر منتشر ساخت. کسانی مانند لاهوتی، دهخدا، معجز شبستری و افرشته از صابر تاثیر گرفته اند.

میرزا جلیل محمدقلی زاده، روزنامه ملانصرالدین را در شرایطی تاسیس نمود که در نتیجه انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه، حکومت تزار سیاست خود را در قبال مطبوعات کمی نرم کرده بود (آخوندف، ۱۳: ۱۳۵۸). در نتیجه انقلاب، هنرها و ادبیات رونق یافته بودند و این تغییر در بروز خلاقیت، جهان بینی نوین اجتماعی و شکل گیری تفکرات انقلابی و دموکراتیک صابر بی تاثیر نبود. به طوری که پیش از این دوره با صابر، شاعری خیال اندیش و ذهن گرا مواجه هستیم که روی کرد او به شعر مشابه شعرای کهن با جست و جوی ادبیات در مفاهیمی کلاسیک است. بعد از انقلاب ۱۹۰۵ صابر از مضامین کهن ادبی فاصله می گیرد و مفاهیمی چون واقعیت های اجتماعی، زندگی روزمره، خرافه گرایی، بی سواد و استبداد را در شعر خود باز می نمایاند.

آن چه که در این نوشتار مورد توجه است، میرزا علی اکبر صابر بعد از این دگردیسی است.

با تاسیس مجله فکاهی ملانصرالدین در سال ۱۹۰۶ محیط مساعدی برای رشد سریع استعداد صابر ایجاد گردید. به طوری که امروز ملانصرالدین بدون صابر و صابر بدون ملانصرالدین قابل تصور نیست. در همان نخستین سال ها پیروان سبک صابر از آذربایجان و قفقاز گذشتند و آسیای میانه، ایران و ترکیه را در بر گرفتند. مکتب جدیدی در شعر معاصر به وجود آمد که «مکتب صابر» نامیده شد (شفایی: ۵).

به تعبیری می توان روزنامه ملانصرالدین را آغاز گر نوعی ژورنالیسم مترقی در کشورهای اسلامی دانست که با بهره گیری از زبان طنز و نوشتار ترکی ساده و کاریکاتورها توانست توده مردم را مخاطب خود قرار دهد و میرزا علی اکبر صابر با تعهد، ساده

تخلص میرزا علی اکبر صابر^۱

۳۰ می ۱۸۶۲^۲

گویی و طنز خاص خود از ارکان اصلی آن به شمار می رود. همکاری صابر با این روزنامه از شماره چهارم آن آغاز و تا مرگ صابر ادامه داشت. بخش عمده تاثیر میرزاعلی اکبر صابر بر جنبش های مترقی ایران و مشروطه خواهی از رهگذر روزنامه ملانصرالدین و کتاب هوپ هوپ نامه صورت می پذیرد.

شهرت صابر با هوپ هوپ نامه بالا گرفت. عمده اشعار این کتاب محصول دوران ۱۹۱۱-۱۹۰۵ است، دورانی که به قول خود شاعر کار جهان و گردش عالم وارونه شده بود، دوران بیداری خلق های آسیا بود و رسالت تاریخی شاعر در مقایسه با ادوار گذشته کاملاً متفاوت بود. صابر شاعر طبقات محروم، اما نیرومند، شاعر خلق های محکوم، اما رزمنده بود. هر جا که صلاهی آزادی داده می شد روح شاعر در آن جا بر فراز سنگر آزادی خواهان پرواز می کرد (همان: ۵).

صابر یک شاعر واقع گرا است. مضامینی که در شعر او مطرح می شوند آزادی، برابری، تجدد خواهی، خرافه ستیزی، حقوق کارگران و کشاورزان، حقوق زنان، وطن دوستی، ضرورت حق تحصیل همگانی و پرورش روحیه مبارزه طلبی در مواجهه با استبداد سیاسی است. بسیاری از مستبدین مانند محمدعلی شاه، عین الدوله، ظل السلطان و میرزا علی اصغرخان اتابک مورد حمله طنز گزنده صابر قرار گرفته اند و مشروطه خواهانی مردمی مانند ستارخان در این اشعار تجلیل شده اند. صابر انتقادات اجتماعی خود را در قالب طنز خاصی بیان می کند. به واقع اشعار صابر انتقادهایی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند که به زبان ساده سروده شده و برای عامه مردم قابل درک است.

در واقع صابر با بهره گیری از سبک خاص خود، ادبیات را در خدمت اصلاح جامعه و انعکاس آلام توده مردم قرار داد. او تمام طبقات اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد و علاوه بر این که رنج های طبقه زحمت کش و خودکامه گی طبقه حاکم را به تصویر می کشد، نادانی و بی خبری توده مردم را نیز هدف قرار داده و به مبارزه با آن بر می خیزد. توجه صابر به گروه های به حاشیه رانده شده مانند زنان و ستم دیدگان اجتماعی است که در اشعار متعددی به زوایای گوناگون مسائل آن ها پرداخته است.

زنان

"زن" از جمله مضامینی است که در شعر صابر، با یک نگاه رئالیستی و نوگرا مورد توجه قرار گرفته است. تصویر زنان در ادبیات کهن عموماً در مقام یار و معشوق و در عالی ترین شکل آن در نقش مادر منعکس شده است. تصویری که از زن در ادبیات کلاسیک ارائه می شود بازنمایی اندیشه های غالب مردسالارانه در جوامع خالق این آثار است.

صابر به عنوان شاعری واقع گرا و انقلابی به وضعیت نابرابر زنان واکنش نشان داد. مسائلی چون حقوق ازدواج، جهل و بیسوادی زنان، نگاه ابزاری به زنان و نقد چند همسری در اشعار صابر مورد توجه است. او از زنانی سخن می گوید که نقشی خارج از وظایف منحصر به محدوده خانه برای آنان تعریف نشده و معتقد به لزوم شکستن کلیشه های رایج در خصوص زنان است. اشعار صابر را می توان به عنوان نخستین بارقه های توجه به حقوق زنان در ایران عصر قاجار به شمار آورد. او به ازدواج های زود هنگام دختران در تبعیت از هنجارهای رایج اجتماعی معترض بود.

صابر، نگاه رایج به مقوله ازدواج را نقد می کند. او جامعه ای را به تصویر می کشد که در آن ازدواج معامله ای است عمدتاً جسمانی که در آن به نیازهای روحی انسان و به طور خاص زن وقتی نمی نهد. به عقیده صابر راه برون رفت، حق تحصیل دختران است.

او در شعر «آنالار بزه گی» علاقه زنان به جواهرات را نهدی می کند و علم را به عنوان یگانه گوهر ارزشمند زندگی معرفی می کند. او مظاهر زنانه ای که معیار ارزش زنان در میان اشراف بوده را نفی می کند و ارزش حقیقی انسان ها را در کسب علم می داند. علاوه بر این صابر تحصیل زنان را به عنوان وسیله ای برای کسب برابری در قبال مردان تلقی می کند. در جامعه ای که استفاده از مدارس حتی برای بسیاری از پسران نیز پسندیده نبود، بدیهی است که چنین نگاهی در خصوص زنان عواقب

سنگینی را برای شاعر به همراه داشت. صابر بارها به کفر و زندقه متهم گردید. او مدرسه ای به نام "امید" را تاسیس کرد که با اصول آموزشی جدید اداره می شد، اما وادار به تعطیل کردن آن شد.

اشعار صابر در خصوص زنان، مبارزه با دیدگاه های جنسیت زده متداول است. در شعر «صحبت زن» این دیدگاه ها به خوبی تشریح شده است.



منهای جو مظلوم تو فریاد کشاورزا / رویاه مشو باز و مین داد کشاورزا

کارگران و کشاورزان

صابر، شعر خود را در خدمت توده های زحمت کش جامعه در می آورد. او از کارگران و کشاورزان، رنج ها و زندگی روزمره شان می گوید. شعر صابر، صدای آحاد ستمدیده ای است که تا پیش از این شنیده نشده بود. او برای کارگران نیز موثرترین سلاح را علم و آگاهی می داند و معتقد است که اندک حرکت ایجاد شده در وضعیت کارگران، به سبب آگاهی آنان از تحمیل ناعدالتی اربابان است.

او در شعر «به کارگران باکو»^۳ از زبان یک ارباب، این آگاهی را به زبان طنز بیان می کند:

وارونه شده کار جهان، گردش عالم	حالا شده هر کارگری داخل آدم
یعنی چه، به هر کار دخالت بکند او؟	یا پهلوی ارباب جسارت بکند او؟
بر یک نفس راحت جرات بکند او؟	بالخاصه سر مزد عداوت بکند او؟

از نگاه صابر انفعال فراگیر، مهم ترین عامل استمرار وضعیت نامطلوب اجتماعی است. مبارزه و انقلاب مورد نظر او، در وهله اول از اندیشه می گذرد. او گسترش آگاهی و علم را مهم ترین عامل در بهبود وضعیت توده ها می داند. شعر «انسان ها»^۴ نمایانگر تاکید او بر تحصیل علم و ضرورت ایجاد آگاهی در میان عامه مردم است:

زنهار مجنب ای پسرک باش به غفلت

مگشای تو چشم و میر از خواب جهالت

لای لای ببه لای لای

لالا کن همین جای^۵

او معتقد است ارزش های انسانی و اجتماعی توسط توده مردم به حاشیه رانده شده و خرافه پرستی، ناآگاهی، ثروت اندوزی و فرصت طلبی به جای آن نشسته است. خرافات در اندیشه صابر ابزاری در دست صاحبان منافع است. او انفعال و بی تفاوتی مردم را نقد می کند و زوایای گوناگون آن را در هوپ هوپ نامه نمایش می دهد. صابر وضعیت فکری اکثریت مردم را به گونه ای تصویر می کند که از هر گونه تفکر و دخالت در زندگی و سرنوشت خود و جامعه شان دست کشیده اند و همه چیز را به تقدیر الهی واگذار کرده اند.

در اندیشه میرزا علی اکبر صابر این روی کرد انفعالی نه تنها عوام، بلکه روشنفکران و نخبگان جامعه را نیز درگیر کرده است. خرافه پرستی، عدم آگاهی، سودجویی فردی، خوش گذرانی و بی تفاوتی وضعیتی فراگیر است که تمام اقشار جامعه را در بر گرفته است.

او در نقد روشنفکران می گوید^۶:

بخواهی از که دیدشان، شراب بین، قمار بین

میار هیچ صحبت از اینتلیگنت^۷ در میان



هر جور که ملت شده تاراج بین چه؟ یا آنکه بدیشان شده محتاج بین چه؟

۴ هوپ هوپ نامه، صفحه ۵۶

۵ هوپ هوپ نامه، ص ۲۷

۶ هوپ هوپ نامه، صفحه ۶۷

۷ در زبان روسی معادل روشنفکر، مترادف Intellectual در انگلیسی

بی تفاوتی اجتماعی از موضوعات مورد توجه در هوپ هوپ نامه است. در چنین انفعال همه گیری استبداد، به آسانی به اهداف خود می رسد و زمینه برای بروز خودکامگی، استثمار و سرکوب آزادی های مدنی فراهم می شود. او در شعر «ایران مال من است» از زبان محمدعلی شاه، نگاه شاهان و حکام را بازگو می کند. در این شعر ضدیت محمدعلی شاه با آزادی خواهان، قانون اساسی و مشروطه مشهود است:

ایران ز من و ری طبرستان بود از من
آباد شود یا شده ویران بود از من
قانون اساسی چیه؟ فرمان بود از من
شوکت ز من و فخر زمن، شان بود از من



بیفروشم شیای ایران من در آن هر جور شیوه
مشغولم او مشغولم؟ من بیفروشم مطلقه رها

گسترش آگاهی، اصلی ترین راهکار برای بهبود است. در پرتو آگاهی ادراکی دوباره از انسان، جامعه، دین و وطن محقق می شود. ناسیونالیسمی که صابر از آن می گوید بر چنین زمینه ای استوار است. صابر بروز این آگاهی و بیداری را در شعر «نگذارید» به خوبی نمایش می دهد:

برخاسته فریاد جماعت، نگذارید

بیدار شده جمله ملت، نگذارید

سررشته هر امر به تحصیل و مدارس

وابسته شده، گشته مزارت نگذارید

شد کار خراب و بد و نکبت نگذارید

اغفال شده خلق به یک عده گمراه

بر خیل نویسنده روزنامه بدخواه

افروخته دیگ غضب خلق و بناگاه

جوشیده و سررفته جماعت نگذارید

از حد گذشته است قباحه، نگذارید

میرزاعلی اکبر صابر در فقری که در تمام عمر همراه او بود و در اوج دوران شکوفایی ادبی خود در ۱۲۹۰ بر اثر بیماری چشم از جهان فروبست.

منابع :

۱. آجودانی، ماشاالله (۱۳۹۳) یا مرگ یا تجدد "دفتری در شعر و ادب مشروطه". تهران: اختران، چاپ پنجم.

۲. آخوندف، ناظم (۱۳۵۸) آذربایجان طنز روزنامه لری کوچورن، ترجمه غ.ر. سپهری، تهران: فرزانه.

۳. سیف و بخشی (۱۳۹۱) بررسی تأثیرپذیریهای سید اشرف گیلانی از شعر میرزا علی اکبر صابر. تهران: سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۵، شماره ۴، صفحات ۲۱۴-۲۰۳.

۴. عرفانیان، مسعود (۱۳۸۵) میرزا علی اکبر صابر، هوپ هوپ نامه و انقلاب مشروطه. تهران: روزنامه اعتماد ملی، شماره ۱۴۸.

۵. میرزاعلی اکبر صابر (۱۹۷۷) هوپ هوپ نامه، ترجمه احمد شفائی. باکو: نشریات دولتی آذربایجان.

۶. کارتون ها برگرفته از روزنامه ملانصرالدین هستند.

* اشعار میرزا علی اکبر صابر به زبان ترکی هستند و در این نوشته از ترجمه فارسی اشعار استفاده شده است.